

# فصل اول

## کلیات تحقیق

گوش یک گونه زبانی است که دستور و واژگان آن مشخص کننده هویت اجتماعی و جغرافیایی یک گویشور است و زبان‌شناسان در تعریف گوش به تفاوت‌های واژگانی و دستوری نیز اشاره می‌کنند. گوش ها بخش مهمی از فرهنگ و آداب و رسوم نقاط مختلف به شمار می‌روند که به دلایل مختلفی چون مهاجرت و تمایل به گفتار به زبان معیار در حال زوال و نابودی هستند. با اینکه گونه زبانی مازندرانی ریشه در زبان طبری دارد، که دارای ادبیات کهن و قابل توجهی می‌باشد، بازهم از این پدیده مستثنی نبوده و علی‌رغم داشتن گوش های فراوان، روز به روز از تعداد گویشوران آن کاسته می‌شود.

در این فصل از پژوهش به کلیاتی در مورد بیان مسئله، فرضیه تحقیق، پرسش تحقیق، پیشینه و روش تحقیق اشاره می‌گردد.

#### ۱-۱- بیان مسئله

گوش نجی بلده ای هم به عنوان یکی از شاخه های این گونه زبانی ( مازندرانی )، از گوش های بسیار کهن و در عین حال اصیل ایرانی است که در یکی از روستا های بخش بلده از توابع شهرستان نور دارای گویشور می‌باشد. بنابر این با توجه به محاوره ای بودن این گوش، پژوهش در خصوص ویژگی های آوایی، واژگانی و نحوی آن و تفاوتها و شباهتهایی که با فارسی معیار دارد، ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۱-۲ پرسش های تحقیق

در این پژوهش سعی بر این است تا بتوان به سوالات ذیل پاسخ داد:

۱- در نظام آوایی گوش نجی بلده چند همخوان و چند واکه وجود دارد و از چه خصوصیات برخوردار است؟

۲- فرایندهای آوایی رایج در این گوش چیست؟

۳- ساختمان الگوی هجایی گوش نجی بلده به چه صورت است؟

۴- نظام ساختاواژی ( واژگان، تصریف و اشتقاق و ...) گوش نجی بلده از چه خصوصیات برخوردار است؟

۵- ویژگی های نحوی گوش نجی بلده چیست؟

### ۳-۱- فرضیه های تحقیق

۱- همخوان های گویش نجی بلده همان همخوان های رایج در گویش مازندرانی کهن و به تبع آن مازندرانی نوین است که تفاوتی هم با همخوان های فارسی ندارد اما واکه های این گویش علاوه بر ۶ واکه رایج در زبان فارسی معیار، دارای واکه هفتم  $\text{ɔ}$  نیز می باشد .

۲- فرایندهای آوایی رایج در این گویش که مربوط به تفاوت های دو گروه همخوانی و واکه ای می باشد ، فرایندهایی چون همگونی ، ناهمگونی ، حذف و درج است .

۳- ساختمان الگوی هجایی در این گویش همانند فارسی معیار یک رشته آوایی پیوسته با ساختمان CV(C)(C) است که مرکز یا هسته آن را واکه و حاشیه یا دامنه آن را همخوان تشکیل می دهد .

۴- نظام ساختواژی این گویش نیز تا حدودی دارای خصوصیات منحصر به فرد می باشد که از آن جمله نشانه های جمع ، نشانه اضافه خاص آن ، همچنین قرار گیری صفت قبل از موصوف و مضاف الیه قبل از مضاف می باشد.

۵- ویژگی های نحوی ، ساختار و آرایش کلمات در جمله در این گویش تا حدود زیادی شبیه فارسی معیار است که در برخی از ویژگی ها از جمله اینکه دارای حروف اضافه پسایند می باشد ، تفاوت هایی مشاهده می شود .

### ۴-۱- پیشینه تحقیق

گویش نجی بلده ای علی رغم پیشینه کهن و ویژگی های منحصر به فرد گویشی و زبانشناختی ، گویشی ناشناخته است و با آنکه درباره سایر لهجه ها و گویش های مازندرانی مطالعاتی انجام شده است که در ذیل به آنها اشاره می شود ، اما در خصوص این گویش، منحصرآ پژوهش علمی خاصی که به ثبت رسیده باشد ، صورت نگرفته است.

ایران کلباسی در کتاب گویش کلاردشت ( ۱۳۷۶ ) مطالعه علمی زبانشناختی زیبایی انجام داده اند که ویژگی های آوایی ، صرفی و نحوی آن گویش خاص را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند .

اصغر اسفندیار درباره گویش روستای لزور فیروزکوه ( ۱۳۸۶ ) به ویژگیهای آوایی و صرفی این گویش بخصوص پرداخته اند .

فرشته مومنی در مقاله *ساختمان فعل در گویش تنکابنی* (۱۳۸۲) به انواع فعلهای فارسی و مقایسه آن با گویش تنکابنی پرداخته اند .

گیتی شکری در کتاب *گویش ساری* (۱۳۷۴)، به ویژگی های گفتاری مردم خطه ساری پرداخته و به لحاظ مسائل زبانشناسی مورد تحلیل قرار داده اند .

محمد باقر نجف زاده بارفروش *واژه نامه مازندرانی* (۱۳۶۸) را تنظیم کردند که حاوی هزاران مدخل واژگان مازندرانی است .

### ۱-۵- ضرورت انجام تحقیق

گویش نُجی بلده ای یکی از شاخه های گونه زبانی مازندرانی و از گویش های بسیار کهن و در عین حال اصیل ایرانی است که در یکی از روستا های بخش بلده از توابع شهرستان نور دارای گویشور می باشد . بنابر این با توجه به محاوره ای بودن این گویش ، پژوهش در خصوص ویژگی های آوایی ، واژگانی و نحوی آن و تفاوتها و شباهتهایی که با فارسی معیار دارد، ضروری به نظر می رسد

### ۱-۶- روش تحقیق

روش کار در بخش عمده ای از پژوهش ، روش میدانی است . در واقع قسمت های مربوط به جمع آوری و ثبت و ضبط اطلاعات که مواد اولیه پژوهش می باشند همه تحت روش میدانی صورت می گیرد اما بخش های دیگر کار که مربوط به اطلاعات روستای نج بلده و ویژگی های تاریخی ، جغرافیایی ، اجتماعی و انسانی آن می باشد و همچنین تعریف های کلی درباره مباحث صرفی ، نحوی و دیگر موارد مربوط به چارچوب های کلی پژوهش، به روش کتابخانه ای صورت می گیرد .

### ۱-۷- محدودیت های تحقیق

محدودیتهایی که در گردآوری تحقیقی حاضر بوجود آمدند می توان به عدم همکاری افرادی که مورد مصاحبه قرار می گرفتند و همچنین عدم ارائه اطلاعات صحیح به منظور درج در پرسشنامه اشاره کرد. همچنین در خصوص

آوانویسی واژگان با توجه به اینکه نرم افزار خاصی برای تایپ برخی از آواها و واجها در صفحه کلید وجود نداشت ، اجبارا باید برای درج یک واژه گاهی تا چند مرحله از محیطهای دیگر نرم افزار کمک می گرفت که این موضوع باعث کندی در روند انجام پروژه می شد .

## فصل دوم

### مبانی نظری تحقیق

## ۱-۲- مقدمه ای درباره زبان، گویش و لهجه در فارسی

در گویش شناسی ایرانی در مورد این سه اصطلاح تعاریف زیادی شده است که در ذیل به توضیح مختصری از آنها می پردازیم :

((زبان<sup>۱</sup>)) به معنی اعم آن هر نوع نشانه یا قراردادی است که پیامی را به میان افراد یک جامعه می برد که بوسیله دستگاه گفتار انسان تولید می شود و افراد جامعه آن را برای ارتباط با یکدیگر به کار می برند ، مانند آژیر آمبولانس، چراغ راهنمایی، تابلوی ورود ممنوع و حرکات چشم و ابرو و سرو دست و غیره نوعی زبان است. اما زبان از نظر علم زبان شناسی شامل تعداد محدودی قاعده ی آوایی، معنایی و دستوری است که همراه تعداد محدودی واژه می تواند بی نهایت جمله بسازد و این جمله ها از طریق دستگاه گفتار آدمی تولید می شوند و واسطه ی ارتباط میان افراد می گردند ؛ ولی زبان از نظر گویش شناسی تعریف دیگری دارد. در یک محدوده ی سیاسی آن چیزی که ما به آن زبان می گوئیم باید دو ویژگی داشته باشد. نخست این که زبان رسمی یک مملکت باشد، یعنی قدرت سیاسی داشته باشد. مانند زبان فارسی در ایران، و دوم این که نسبت به زبان ها و گویش های اطراف خود، زبان مادری دیگری داشته باشد. مانند زبان های ارمنی، عربی و ترکی در ایران که به ترتیب از زبان های مادری ارمنی، سامی و اورال آلتایی گرفته شده اند. در حالی که زبان فارسی از خانواده ی زبان های ایرانی است. [ کلباسی، ۱۳۷۴: ۲۸ ]

((گویش<sup>۲</sup>)) ها شاخه هایی از یک زبان واحد هستند که برای دیگر سخنگویان آن زبان قابل فهم نباشد مانند گویش های فارسی، تاتی، کردی، بلوچی، مازندرانی، گیلکی و ... گویش های گوناگون یک زبان ایرانی هستند. [ همان: ۲۸ ]

به انواع هر گویش هم ((لهجه<sup>۳</sup>)) می گویند، برای مثال گویش فارسی دارای لهجه های تهرانی، اصفهانی، شیرازی، کرمانی و غیره است و گویش گیلکی دارای لهجه های رشتی، لاهیجانی، رودسری، آستانه ای و ... و گویش کردی دارای لهجه های مهابادی، سنندجی، کرمانشاهی، ایلامی و غیره است. گویش ها از نظر آوایی، واژگانی و دستوری با هم تفاوت های بسیاری دارند و فهم آن ها نیاز به آموزش دارد، ولی لهجه های هر گویش معمولاً تنها تفاوت های آوایی و واژگانی دارند و فهم آن ها نیاز به آموزش چندانی ندارد. همچنین لهجه یا گویش هرگاه در محدوده سیاسی

<sup>1</sup> - Language

<sup>2</sup> - Accent

<sup>3</sup> - Dialect

جداگانه ای قرار بگیرد یا به عنوان زبان رسمی اعلام گردد ، زبان نامیده می شود ؛ مانند زبان تاجیکی در تاجیکستان که لهجه ای از زبان فارسی است و زبان پشتو در افغانستان که یک گویش ایرانی است . [ همان : ۲۹ ]

زبان نظامی پیچیده و بسیار انتزاعی و بی نهایت زیاست که بین معانی و صوت ها ارتباط ایجاد می کند . [ فالک ، ۱۳۷۲ : ۱۸ ]

تفاوت بین زبان و لهجه تفاوت در درجه است . لهجه فقط مجموعه ای از لهجه های فردی مشابه است و زبان مجموعه ای از لهجه های مشابه را در بر می گیرد . [ همان : ۳۸۹ ]

اصطلاح لهجه ، از نظر فنی ، وقتی بکار می رود که محدود شود به توصیف جنبه هایی از تلفظ که نشان می دهند شخص گویشور از نظر محلی یا اجتماعی به چه مکان یا طبقه ای تعلق دارد . ولی گویش توصیف کننده مشخصه های دستوری و واژگانی و نیز جنبه های تلفظی است [ یول ، ۱۳۷۴ : ۲۶۶ ] . مثال کلاسیک لهجه همان لهجه منطقه ای است: شکل مشخص زبانی که در منطقه جغرافیایی بخصوصی به کار برده می شود .

زبان خیلی چیزهاست ؛ نظامی ارتباطی است ، محمل فکر است ، ابزار بیان است ، ابزار بیان ادبی است ، نهادی اجتماعی است ، موضوعی است برای بحث های سیاسی و عاملی است در شکل گیری یک ملت . [ اگریدی و همکاران ، ۱۳۸۰ : ۹ ]

زبان را می توان به سادگی به منزله یک نظام نوشتاری تعریف کرد . با این وجود ، معمولا زبان به معنای اخص ، نظام نشانه ای مرسوم انسان است . [ هادسن ، ۱۳۸۳ : ۲ ]

تعریف زبان از نظر آندره مارتینه : زبان یکی از وسایل ارتباط میان افراد بشر است که بر اساس آن تجربه آدمی در هر جماعتی به گونه ای دیگر ، تجربه می شود و به واحدهایی در می آید دارای محتوایی معنایی و صورتی صوتی ، به نام تکواژ ؛ این صورت نیز بار دیگر به به واج هایی مجزا و متوالی تجزیه می شود ، به نام واج ، که تعداد آنها در هر زبانی معین است و ماهیت و روابط متقابل آنها هم در هر زبانی با زبان دیگر تفاوت دارد ( در حقیقت همین تفاوت میان آنهاست که وضع یا قرارداد نامیده می شود . ) [ نجفی ، ۱۳۷۱ : ۳۳ ]



زبان فارسی نو که در حال حاضر زبان رسمی در داخل سرزمین ایران است ، زبان فارسی استاندارد یا معیار ، به حساب می آید . [ کلباسی ، ۱۳۷۴ : ۱۳ ]

حال با توجه به موارد و نکاتی که راجع به زبان ، گویش و لهجه بیان شد ، به مبانی نظری تحقیق و تعریف برخی اصطلاحات مورد نیاز می پردازیم .

الف- دو صدا که نسبت به یکدیگر در توزیع آزاد<sup>۱</sup> هستند ، دو واج مستقل نامیده می شود .

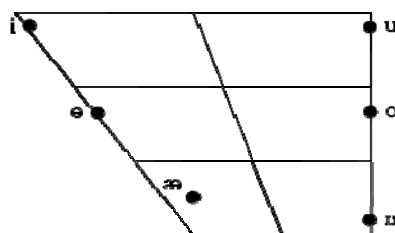
ب- دو صدا که نسبت به یکدیگر در توزیع تکمیلی<sup>۲</sup> هستند ، واج گونه های یک واج مستقل نامیده می شود.

ج- دو صدا که نسبت به یکدیگر در توزیع آزاد هستند اما جانشین کردن آنها به جای یکدیگر موجب تقابل معنایی نمی شود ، دو گرایش از واجی واحد نامیده می شوند .

به طور کلی آواها به دو گروه همخوان و واکه تقسیم می شوند ؛

۲-۲- واکه : آوایی که هنگام تولید آن مسیر عبور هوا به طور نسبی باز است و هوا آزادانه در مجرای گفتار جاری می شود .

نمودار و جایگاه واکه های آوایی



<sup>1</sup> - Free distribution

<sup>2</sup> - Complimentary distribution

## ۲-۲-۱- واکه های مرکب<sup>۱</sup>

واکه های مرکب فارسی از دیدگاه آوایی ، مرکب به حساب می آیند اما از نظر واجی ، رشته هایی مرکب ، از یک واکه و یک همخوانند. [ ثمره ، ۱۳۸۱ : ۹۶-۱۰۱ ]

## ۲-۲-۲- واکه های میانجی<sup>۲</sup>

واکه میانجی عبارت است از واکه ای که غالباً در مرز دو واژگ<sup>۳</sup> ، بین دو همخوان تولید می شود .

۲-۳- همخوان : آوایی که هنگام تولید آن در جایی از مجرای گفتار ( عمدتاً حفره های دهان و حلق ) نوعی گرفتگی در مسیر عبور هوا ایجاد می شود به طوری که هوا آزادانه خارج نمی شود .

## جدول واج های همخوانی

محل و نحوه تولید ↓	دوبلی	لب و دندانی	دندانی	لثوی	لثوی-کامی	کامی	ملازی	چاکنایی
انفجاری ( انسدادی )	p b		t d			k g	q	?
سایشی		f v		s z	š ž		x	h
انسایشی					č j			
غلطان				r				
کناری ناسوده				l				
خیشومی	m			n				
نیم واکه ( روان )						y		

## ۲-۳-۱- همخوان های میانجی

همخوان میانجی عبارت است از همخوانی که غالباً در مرز دو واژگ ، بین دو واکه تولید می شود .

[ کلباسی ، ۱۳۷۶ : ۱۲ ]

<sup>1</sup> - diphthong

<sup>2</sup> - anaptyctic vowel

<sup>3</sup> - morpheme

## ۲-۴- ساختمان هجا<sup>۱</sup>

هجا یک رشته آوایی پیوسته با ساختمان CV(C)(C) است که مرکز یا هسته آن را واکه و حاشیه یا دامنه آن را همخوان تشکیل می دهد. [ ثمره، ۱۳۸۱: ۱۱۴-۱۱۱ ]

## ۲-۵- تکیه<sup>۲</sup>

برجستگی یک هجا نسبت به هجاهای دیگر در یک کلمه هجاست. یکی از مختصات آوایی شدت، زیرو بمی یا کشش می تواند از عوامل ایجاد تکیه باشند. [ حق شناس، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۲ ] .

## ۲-۶- فرایندهای آوایی

تعاریفی که برای این اصطلاح وجود دارد به قرار زیر است :

واحدهای آوایی بر اثر همنشینی در ترکیب دستخوش تغییراتی می شوند که این نوع تغییرات را فرایندهای آوایی گویند. [ حق شناس، ۱۳۵۶: ۱۴۷ ]

به تاثیرگذاری و تاثیرپذیری های آوایی و تظاهرات ناشی از آن، فرایندهای واجی گفته می شود. [ مشکوه الدینی، ۱۳۷۴: ۱۳۰ ]

فرایندهای آوایی رایجی که در زبان فارسی وجود دارد عبارتند از: همگونی<sup>۳</sup>، ناهمگونی<sup>۴</sup>، حذف<sup>۵</sup> و درج<sup>۶</sup>.

## ۲-۶-۱- فرآیند همگونی:

همگونی متداولترین پدیده ای است که در آن مختصه ای از یک واحد صوتی تغییر می یابد و با مختصه ای از واحد صوتی مجاور خود یکسان می شود. [ فالک، ۲۰۰۵: ۱۶۴ ]

---

<sup>1</sup> - syllabe

<sup>2</sup> - stress

<sup>3</sup> -assimilation

<sup>4</sup> -dissimilation

<sup>5</sup> - deletion

<sup>6</sup> - insert

همگونی بر دو نوع است؛ پیشرو و پسرو. در همگونی پیشرو از دو همخوان همنشین آن که جایگاه نخستین را اشغال کرده، ثابت و بدون تغییر و همخوانی که در جایگاه دوم قرار دارد، دستخوش همگونی می‌گردد. در همگونی پسرو، از دو همخوان همنشین، آن یکی که جایگاه دوم را اشغال کرده ثابت می‌ماند و همخوانی که در جایگاه نخستین قرار دارد، دستخوش همگونی می‌گردد. [حق شناس، ۱۳۵۶: ۱۵۲]

#### ۲-۶-۲- فرآیند ناهمگونی<sup>۱</sup>:

فرایندی که در آن صوتی تغییر کند تا شباهت آن به صوت مجاورش کمتر شود (عکس همگونی). [اگریدی، ۲۰۰۵: ۳۲۵].

#### ۲-۶-۳- فرآیند حذف<sup>۲</sup>

گاهی یک واحد زنجیری تحت شرایط خاصی از زنجیره گفتار حذف می‌شود. [حق شناس، ۱۳۵۶: ۱۵۷] حذف واج با قواعد حذف و به دلیل سهولت تلفظ صورت می‌گیرد.

#### ۲-۶-۴- فرآیند افزایش واکه

افزایش نوعی فرایند درج است که در آن یک واکه یا همخوان به واژه اضافه می‌شود. هرگاه این آوا بین دو همخوان اضافه شود، به آن واکه میانجی گفته می‌شود. [کریستال، ۲۰۰۳: ۲۴]

#### ۲-۷-۲- گروه‌ها در جمله

گروه به واحدی از زبان گفته می‌شود که از یک کلمه یا بیشتر تشکیل شده باشد و در ساختمان جمله به کار رود. [باطنی، ۱۳۸۱: ۱۱۰]

#### ۲-۷-۱- گروه اسمی<sup>۴</sup>

گروه اسمی حداقل دارای یک هسته و تعدادی وابسته پیشرو و پیرو است. (( هسته )) معمولاً اسم یا ضمیر و (( وابسته )) اسم، ضمیر یا صفت است. وابسته پیشرو قبل از هسته قرار می‌گیرد و وابسته پیرو بعد از آن. [کلباسی، ۱۳۷۶: ۱۳۰]

<sup>1</sup> -dissimilation

<sup>2</sup> - deletion

<sup>3</sup> - phrase

<sup>4</sup> - noun phrase

## ۲-۷-۲- گروه قیدی<sup>۱</sup>

گروه قیدی گروهی است که در جایگاه قید جمله قرار می گیرد .

## ۲-۷-۳- گروه فعلی<sup>۲</sup>

گروه فعلی گروهی است که در جایگاه فعل جمله قرار می گیرد .

## ۲-۷-۴- گروه حرف اضافه ای<sup>۳</sup>

گروه حرف اضافه ای گروهی است که از یک حرف اضافه و یک گروه اسمی تشکیل شده باشد که هسته این گروه یک حرف اضافه است .

## ۲-۷-۵- گروه صفتی<sup>۴</sup>

گروه صفتی از یک صفت به منزله هسته و وابسته آن تشکیل می شود .

## ۲-۸- جمله ساده

جمله ساده که به آن بند<sup>۵</sup> نیز گفته می شود ، علاوه بر اجزاء دیگر ، تنها دارای یک فعل است .

## ۲-۹- جمله مرکب

جمله مرکب از دو یا چند جمله ساده ( بند ) تشکیل می شود . در این نوع جمله به بندی که منظور اصلی گوینده است (( هسته )) و به سایر بندها (( وابسته )) گفته می شود . بند وابسته می تواند قبل یا بعد از هسته قرار گیرد . جمله مرکب خود به دو نوع (( همپایه )) ، (( نا همپایه )) تقسیم می گردد . جمله مرکب همپایه از چند جمله که به لحاظ ساختی همانند یا هم ارزش باشند ، ساخته می شود . [ شگری ، ۱۳۷۴ : ۱۴۲ ] .

جمله مرکب ناهمپایه از تعدادی بند هسته و وابسته ساخته شده است . بند وابسته معمولا دارای نقش های وصفی ، مفعولی یا قیدی است . [ همان : ۱۴۲ ]

---

<sup>1</sup> - adverb phrase

<sup>2</sup> - verb phrase

<sup>3</sup> - prepositional phrase

<sup>4</sup> - adjective phrase

<sup>5</sup> - clause

## فصل سوم

### ملاحظات جغرافیایی

### ۳-۱- معرفی شهرستان نور

### ۳-۱-۱ موقعیت جغرافیایی نور:

شهرستان نور در قلب مازندران و منطقه ای است که از نظر جغرافیایی به شکل ذوزنقه و یکی از قدیمی ترین شهرستان های استان مازندران است. این شهرستان ۵/۳ درصد جمعیت استان را دارد و تا چند سال قبل **سولده** نامیده می شد.



از نظر طول و عرض جغرافیایی این شهرستان بین ۵۱ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۱۰ دقیقه شرقی و ۳۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. [ مجتهد زاده ، ۱۳۵۱: ۱ ]  
این شهرستان از طرف جنوب با رشته کوه های البرز و تهران و شمیرانات و از طرف شرق با شهرستان های محمود آباد و آمل و از طرف غرب با شهرستان نوشهر و قسمت های شمالی کندوان و از طرف شمال به دریای خزر محدود است.

شهرستان نور به دو بخش کوهستانی و جلگه ای تقسیم می شود که بخش کوهستانی ۸۰ درصد از خاک این شهرستان و ۲۰ درصد مابقی را بخش جلگه ای تشکیل می دهد.

نور سرزمینی است حاصلخیز و با وجود سلسله جبال البرز ، شالیزارهای وسیع ، معادن مختلف ، سواحل زیبا ، تپه های سرسبز ، آبگرم های معدنی ، آبشارهای زیبا ، آثار باستانی و تاریخی و قله مرتفع از زیبا ترین مناطق کشور است .

مهمترین کوه های مرتفع آن عبارتند از : (( کوه ولج )) با ارتفاع ۳۶۹۵ متر ، (( کوه جنگون )) با ارتفاع ۳۱۷۴ متر ، (( آزادکوه )) با ارتفاع ۴۳۵۵ متر ، (( کوه گرگ )) با ارتفاع ۳۵۸۳ متر ، (( کوه تترستاق )) با ارتفاع ۳۱۲۵ متر ، (( کوه ایوار )) با ارتفاع ۳۴۸۱ متر ، (( کوه ماه )) با ارتفاع ۳۵۳۸ متر. [همان : ۳]

این شهرستان از نظر اختلاف دما و شرایط اقلیمی و پستی و بلندی می توان به سه منطقه تقسیم کرد : منطقه اول قسمت جلگه ای ( قشلاقی ) نور است که مرکز شهرستان نیز در این قسمت واقع است و جنگل های انبوه و سرسبز آن با درخت های انبوه شهرت فراوان دارد و از سطح دریا ۲۰ الی ۱۰۰ متر ارتفاع دارد. این منطقه دارای آب و هوای معتدل و مرطوب است و مقدار باران آن از دو منطقه دیگر به جهت مجاورت دریا و جنگل بیشتر است . منطقه دوم قسمت کوهستانی دامنه البرز است که ییلاق شهرستان نور محسوب می شود که در بعضی از مناطق ارتفاع آن از سطح دریا به بیش از ۴۰۰۰ متر هم می رسد که روستای مورد نظر ( نج ) از آن جمله است . این منطقه خوش آب و هوا است و دارای جویبارها ، علفزارها و مناظر طبیعی فراوان است . منطقه سوم ، اراضی میان بند است که بین دو منطقه فوق ( ییلاق و قشلاق ) قرار دارد و بیشتر آن را جنگل و مراتع تشکیل می دهد و دارای آب و هوای مرطوب و معتدل است .

مهمترین رودخانه شهرستان نور ، رود نور است که از شعبات مهم رود هراز است که از کوهی به نام لاشم ( لاوش ) واقع در قسمت شمال شرقی الیکا سرچشمه می گیرد . این رودخانه برخلاف رودهای دیگر نور که در جهت شرقی غربی هستند ، در جهت شمالی جنوبی قرار دارد. این رود پس از عبور از روستاهای بسیاری به دریای خزر می ریزد . از دیگر رودهای مهم نور عبارتند از : (( لایوچ رود )) یا (( سولده رود )) که از ارتفاعات لایوچ سرچشمه می گیرد ؛ (( رود الیکا )) که در منطقه سیاه بیشه به رود چالوس می پیوندد ؛ ((رودخانه دونا )) که در منطقه پل زنگوله به رود چالوس می پیوندد .



وضعیت جغرافیایی در دو قسمت شمالی ( جلگه ای ) و جنوبی ( کوهستانی ) باعث به وجود آمدن دو نوع زندگی در منطقه نور شده است . برنج غذای اصلی مردم قسمت شمالی را تشکیل می دهد و عده زیادی از مردم به کشت و برداشت این محصول مشغولند . در قسمت کوهستانی گندم محصول اصلی کشاورزی محسوب می شود و مردم آن ناحیه از راه زراعت این محصول و جو بعد از دامداری ، امرار معاش می کنند . کشت جو، ذرت، باقلا ، عدس، نخود، ماش ، کنجد در قسمت جنوبی نور متداول است . از گیاهان صنعتی نور می توان پنبه و کف را نام برد . تهیه ابریشم نیز سابقا رایج بوده است . همچنین انواع صیفی جات و جالیز نظیر خیار ، هندوانه ، خربزه ، گوجه فرنگی ، کدو و میوه هایی نظیر گیلاس ، هلو ، زردآلو، آلبالو، سیب ، انار، کیوی و مرکبات مانند پرتقال ، لیمو، نارنگی و نارنج از دیگر محصولات نور به شمار می روند .

پوشاک مردم نور مانند پوشاک سایر نواحی مختلف ایران از جمله تهران می باشد و به لحاظ پوششی لباس بخصوصی ندارند .

### ۳-۱-۲- تقسیمات کشوری حوزه نور:

در تاریخ ۱۳۳۹/۲/۱ به موجب تصویب نامه شماره ۳۴۹۹۰ هیات وزیران، بخش نور از شهر آمل جدا شده و به شهرستان مستقل تبدیل شد. [ همان : ۶۵ ]

این شهرستان با وسعت ۲۶۷۵ کیلومتر مربع به ۳ بخش و ۱۴ دهستان تقسیم می شود که عبارتند از :

۱- **بخش مرکزی** ( به مرکزیت شهر نور ) شامل:

الف-دهستان ناتل کنار ب- دهستان میان بند ج - دهستان هلو پشته

۲- **بخش چمستان** ( به مرکزیت چمستان ) شامل:

الف - دهستان ناتل رستاق ب- دهستان میانرود سفلی ج-دهستان لاویج د- دهستان نائین علیا و دهستان

نائین سفلی

۳- **بخش بلده** ( به مرکزیت بلده ) شامل:

الف- دهستان میانرود علیا ب- دهستان نارستاق ج- دهستان یالرود د- دهستان کمروود ه-دهستان اوزرود سفلی

و- دهستان اوزرود علیا که هر یک از دهستان های فوق شامل آبادی های مختلف می باشند .

البته با تقسیم بندی سیاسی سال ۱۳۷۶ این شهرستان به ۳ بخش و ۹ دهستان تقسیم شد که عبارتند از :  
 ۱- بخش مرکزی یا حومه شامل دهستان های میان بند ، ناتل کنار سفلی و ناتل کنار علیا ۲- بخش چمستان شامل دهستان های ناتل رستاق ، میان رود و لایوچ ۳- بخش بلده شامل دهستان های اوزرود، نمارستاق و شیخ فضل ا...  
 نوری .

جدول تقسیمات شهرستان نور ۱۳۷۶

روستای مورد مطالعه	مساحت ( کیلومتر مربع )	مرکز دهستان	دهستان	بخش	شهرستان
	۳۰۹/۸	کاسگر محله	میان بند	} مرکزی	} نور
	۶۴/۵	ایزد پایین	ناتل کنار سفلی		
	۱۴۲	سلیاکتی	ناتل کنار علیا		
	۲۹۱/۷	چمستان	ناتل رستاق	} چمستان	
	۱۶۵/۲	بنفشه ده	میانرود		
	۲۴۷/۲	رئیس کلا	لایوچ		
	۴۷۶/۳	پیل	اوزرود	} بلده	
	۴۷۵	تاکر	نمارستاق		
نج بلده	۵۰۷/۸	بلده	شیخ فضل ا...		

### ۳-۲- اوضاع اقتصادی شهرستان نور

#### ۳-۲-۱- منابع طبیعی

بر اساس آمار سال ۱۳۸۰ جمع کل عرصه های جنگلی در نور ۲۵۳۴ هکتار ، پارک جنگلی طبیعی ۷۵۲۲ هکتار بود<sup>۱</sup>. نور به علت تنوع آب و هوایی و شرایط اقلیمی مناسب دارای جنگل های انبوه و درختان کهن و باغات میوه و مراتع و چشمه سارهای فراوان است . درختان شمشاد، گردو ، بلوط ، افرا ، اوجا ، ون ، توسکا ، توت ، سپیدار ، زرشک ، به ، سیب ، کاج ، تبریزی ، گلابی ، ازگل ، زالزالک ، آلو، راش ، نارون و شاه بلوط از گونه های اصلی درختان جنگلی این منطقه است . از رستنی های دارویی این منطقه می توان گون ، بارهنگ، خاکشیر ، گل گاوزبان ، اسپند، گل بنفشه ، پونه ، کاسنی و گزنه نام برد .

مهمترین مراتع بیلاقی نور در اطراف دونکوه ، کپ و اطراف اوزرود علیا و مهمترین مراتع میان بند نور در اطراف لایوچ، سوردارو گلند رود واقع است .

یکی از معروفترین پارک های نور ، پارک جنگلی نور است که در سال ۱۳۵۱ احداث و حدود ۴ هزار هکتار مساحت دارد.

#### ۳-۲-۲- کشاورزی

اراضی کشاورزی و باغی شهرستان نور حدود ۲۲ هزار هکتار است که از این مقدار حدود ۴ هزار هکتار اراضی باغی و مابقی برای کشت سایر محصولات می باشد . همچنین حدود ۱۳ هزار هکتار اراضی کشاورزی برای کشت برنج مورد استفاده قرار می گیرد<sup>۲</sup>. شهر نور یکی از مراکز عمده تولید برنج در استان است . شهرستان نور با میزان بارندگی سالانه حدود یک متر و دارا بودن اراضی مرغوب کشاورزی و منابع آبی زیر زمینی نسبتا فراوان و مناسب یکی از قطب های بالقوه کشاورزی استان مازندران به شمار می رود .

<sup>۱</sup> - ارقام مذکور از اداره کل منابع طبیعی استان مازندران و توسط مسئولین مربوط ارائه گردیده است .  
<sup>۲</sup> - از همان منبع

از محصولات عمده این شهرستان می توان برنج ، گندم ، جو ، سیر ، نخود ، لوبیا ، عدس ، سیب زمینی، پیاز ، گوجه فرنگی ، هندوانه ، خیار ، سیب ، گلابی ، به ، زردآلو، آلبالو، هلو ، آلو ، گیلاس ، توت ، فندق ، ازگل ، پرتقال ، نارنگی ، لیمو ، انجیر ، کیوی ، انار ، کتان و گیاهان دارویی اشاره کرد .

### ۳-۲-۳ صنعت و معدن

در شهرستان نور دو شهرک صنعتی وجود دارد که با داشتن حدود ۱۶ کارخانه مختلف در آن وسعتی بالغ بر ۵ هکتار از اراضی این شهرستان را در بر می گیرد .

نور با داشتن معادن مختلف شاید یکی از مهمترین منابع معدنی نور باشد . از معادن مهم این منطقه می توان معادن زغال سنگ در منطقه الیکا ، گلندرود و معادن دیگر از جمله آهن ، گچ در رزن ، نمک ، طلا و سرب را نام برد .

### ۳-۲-۴ توریسم و گردشگری

جنگلهای انبوه و سرسبز و درختان کهن و باغات میوه و مراتع و مرغزارهای زیبا و چشمه سارهای فراوان و سواحل زیبای دریای خزر یکی از جاهای دیدنی کشور است که هر ساله مسافران زیادی را به خود جلب می کند . این منطقه همچنین با داشتن کوهستان های پوشیده از برف ، غارها، آب های معدنی و بیش از ده ها اثر تاریخی و فرهنگی همواره پذیرای مردم زیادی از سراسر کشور است .

از جاذبه های طبیعی این شهرستان می توان به چشمه های جوشان آب گرم لایچ ، آبشار آب پری ، پارک جنگلی نور ، پارک جنگلی کشپل و ده ها مناظر زیبای دیگر اشاره کرد .

در نور پل آجری به نام خشت پل وجود دارد که در عصر ناصرالدین شاه به دستور میرزاآقاخان صدر اعظم نوری بر رود لایچ رود بنا گردید که مربوط به قرن سیزدهم هجری قمری است . [ریاحی ، ۱۳۸۱ : ۸۲]

نور در میان شهرستان های استان مازندران جایگاه ویژه ای دارد که این ویژگی هم به لحاظ پیشینه تاریخی و هم سهم نور در پرورش رجال و بزرگان علمی و سیاسی حائز اهمیت است .

نور در کتب مختلف به نام نادل و رستمدر آمده است و این منطقه از قرن ها پیش آباد بوده است بطوری که مردم از مصر و هند و شام به اینجا می آمدند و در اینجا زندگی می کردند و کاخ ها و عمارت های زیبا می ساختند و مال